

تولدی دیگر

۷۵ساله‌ای لبریز از کودکی



عبدالرحمن نجل رحیم مصطب‌شناس و مصطب‌پژوه

● اگر به فیلم‌های کوتاه و بلند کیارستمی نگاه‌ی بیندازیم، نه فقط مملو از حضور کودک یا قصه‌ای درباره کودکان است، بلکه در آنها می‌توانیم شاهد نگاه و تفکر کودکانه‌ای درباره جهان هستی باشیم. این شور ره‌اشده کودکی در بازیگوشی‌های کیارستمی در طرح‌های بدیع انتخاب شعر شاعران کلاسیک ایران و در عکس‌های او نیز نمایان است. او خود در گفت‌وگویی با آیدین آغداشلو، دوست دوران کودکی‌اش، جمله‌ای به شوخی می‌گوید با این مضمون که سخت‌افزار مغزش را تجربیات کودکی پر کرده است و هرچه می‌سازد، تأثیرگرفته از این دوران است. صمیمیت آمیخته با معصومیت و شور و شوقی سبکبارانه همراه با سؤالات ساده فلسفی کودکان، اما مهم و جهان‌شمول در آثار او را باید حاصل وفادارماندن کیارستمی به تأثیرات شگرف این دوران دانست. این تأثیر را حتی در نمایش روابط عاشقانه بزرگ‌سالی و کهن‌سالی در فیلم‌های آخرین او، چون «کپی برابر اصل» یا «مثل یک عاشقی»، به‌راحتی می‌توان ردیابی کرد. مطمئن باشید اگر کیارستمی اکنون در آستانه ۷۵سالگی فیلم دیگری در صومعه‌ای در چین درباره راهبه‌ها هم بسازد، از نفوذ تأثیر تعیین‌کننده این دوران مصون نخواهد بود و از آن پرهیز هم نخواهد کرد. پرداختن به دوران کودکی، برای کیارستمی نوعی بازگشت به خویشن خویش و یافتن مرهمی برای دردهای زندگی از طریق هنر است. امروزه مغزپژوهان نیز به اهمیت دوران کودکی در شکل‌دهی به شخصیت‌محوری انسان تأکید دارند و بدیهی است تلاش‌های هنری سینمایی دراین‌باره پژواک‌دهنده و تقویت‌کننده کندوکاوهای علمی در این زمینه است. در این دوران است که ارزش‌های اخلاقی و زیبایی‌شناختی در دستگاه احساسی-عاطفی مغز انسان شکل می‌گیرد. کیارستمی با پرداختن به دوران کودکی، به اصل و ریشه هستی توجه می‌کند و به‌دنبال پاسخ به سؤالات ساده، اما مهمی است که اغلب بزرگ‌سالان از پاسخ به آنها طفره می‌روند. او با پرداختن به کودکی، پناهگاهی امن و مصون از آلائش‌های مصلحت‌جویانه و عاقبت‌طلبانه دوران بزرگ‌سالی و حتی کهن‌سالی، جست‌وجو می‌کند. حال باید به کودک درون کیارستمی، سلامی دوباره کرد و ۷۵سالگی‌اش را تبریک گفت.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۶تیر ۱۳۹۴ ۱۰رمضان ۱۴۳۶ ۲۷ ژوئن ۲۰۱۵ سال دوازدهم • شماره ۲۳۳۴ • ۲۰صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



دیان
motazedian.mehdi@yahoo.com



آچارکشی

مصاحبه با دکل



پوریا عالمی

● بعد از انتشار خبر گم‌شدن یک دکل به این هوا اندازه، در دوره آقای احمدی‌نژاد، گمانه‌زنی‌های مختلفی به وجود آمد که این شبانه را به وجود آورد که پاکدست‌ترین دولت ما دست‌هایش را با صابون نمی‌شسته و به‌همین دلیل دستش کثیف است. به‌همین دلیل میهنی - احمدی‌نژادی ما دکل گم‌شده را پیدا کردیم و اصل ماجرا را از خودش پرسیدیم تا دست‌های مهرورزان را بشوییم.

آچارکشی: سلام دکل جان، شما را کی دزدیده؟

دکل: من دزدیده نشدم. من گم شدم. درواقع من را ربودند. من وقتی بچه بودم داشتم با بچه‌دکل‌های دیگر بازی می‌کردم که یکی آمد و من را دزدید و فروخت به گروه‌هایی که کودکان خیابانی را مدیریت می‌کنند. آنها من را معتاد کردند و مجبورم کردند که در خیابان گدایی کنم.

آچارکشی: یعنی اصلا گم‌وگورشدن شما ربطی به کسی ندارد؟

دکل: بله، صدرصد. آنهایی که در ذهن شماست وقتی فهمیدند من گم شده‌ام، همه‌جا دنبال من گشتند و کلی هم گریه کردند و زقفتند دکل مردم گم شد فردا جواب مردم را چه بدھیم؟

آچارکشی: شما به کسی مظنون نیستی؟

دکل: چرا من به شما و همه رسانه‌ها و مطبوعات از جمله روزنامه «شرق» مظنونم. شما در هشت سال گذشته کاری کردید که من گم بمانم و آگهی گم‌شده من را چاپ نکردید. از کجا معلوم خود تو من را ندزدیده باشی؟

آچارکشی: عزیزم یک چیزی بگو که بگنجد. دکل را من در کدام جیب فروکنم؟ ما یک خودکار و یک لپ‌تاپ داریم از همه‌جامان بیرون زده و هرکاری هم ب‌هاش می‌کنیم قشنگ توی چشم است و مجوز هم نمی‌دهند به این سادگی. بعد دکل را بردارم چه‌کارش کنم؟

دکل: من نمی‌دانم. پس شاید کار جیسون رضایی باشد. شاید هم کار آن آقایانی باشد که از عربستان برای تحصیل بچه‌اش پول گرفته و آبروی ما را برده چون ما خودمان برای تحصیل همه پول دادیم به همه (البته حالا هیچ‌کدام از این بورسیه‌ها هم درس خوان نبودند و الان خوشبختانه همه وارکننده پورشه هستند)، بعد برای ما افت ندارد یکی برود به عربستان بگوید پول بده بچه‌ام درس بخواند؟ به نظرم دکل را بیندازیم گردن همین‌ها.

آچارکشی: ببخشید برای دزدیدن دکلی به اندازه شما اول باید سوراخ کند. چنین سوراخی کجا یافت می‌شود؟

دکل: همان سوراخ گنده‌ای که توی شهرک غرب موقع گودبرداری درست شد. آن سوراخ به غیب‌شدن من ربط دارد.

آچارکشی: ولی آن سوراخ مربوط به بابک زنجانی بود و هرچند بزرگ‌ترین سوراخی بود که تهران به خودش دیده بود ولی اگر آن سوراخ را برای شما کنده باشند پس معلوم می‌شود جریان انحرافی در گم‌شدن شما دست داشته یا مطلع بوده.

دکل: این افترا و تهمت است. من اصلا ربطی به سوراخ انحرافی ندارم.

آچارکشی: به نظر شما تطمع شدی یا به نحو تابلویی می‌خواهی توپ را بیندازی در زمین دیگران. اصلا الان که نگاه می‌کنم شما دکل صاف می نیستی و انحراف پیدا کردی و کج رفتی بالا. نکند تو دکل انحرافی باشی و داری رد گم می‌کنی؟

دکل: برو بابا، من دیگر بدون حضور وکیلیم حرف نمی‌زنم.

نتیجه آچار: خشت اول چون نهد معمار کج و به روایتی انحرافی / دکل‌ها هم می‌روند تا ثریا کج و کوله.

پشت جلد

اخلاقِ سیاسی یا سیاستِ اخلاقی؟!

می‌پندارد. من معتقدم اگر اخلاق را در باورهای روز جامعه جست‌وجو کنیم می‌توان این نسبت را واقعا سنجید و به طرف آن حرکت کرد. با این مقدمه کوتاه اجازه می‌خواهم عرض کنم آنچه محرک اصلی سوزه این یادداشت شد پاره‌ای رویدادهای عجیب و تاسف‌آور اعلام‌شده در این‌روزها - مربوط به دولت گذشته - است: گم‌شدن یک دکل عظیم نفتی واجد ده‌ها میلیون دلار ارزش متعلق به اموال عمومی، بازداشت مقاماتی از دولت گذشته بسیار نزدیک به رأس آن، کشف میلیاردها تومان اختلاس و فساد و امثال آنها در حالی است که آن دولت خود را پاک‌ترین دولت تاریخ ایران می‌نامید و اخلاقی‌ترین شعرها را می‌داد. سهل است که همه اتفاقات نامطلوب و پرشمار مربوط به آن دولت، فرسنگ‌ها از کمالات اخلاقی- با هر قرائت و تفسیری- فاصله دارد. جوامع برای مهار قدرت از درغلتیدن به فساد آن را پاسخ‌گو خواسته‌اند. اولاد دولت باید به نمایندگان مردم و سپس به رسانه‌ها درباره عملکرد و تصمیمش پاسخ دهد. دوم باید امکان ارزیابی عملکرد و ادعایش فراهم باشد، سوم باید امکان رقابت با آن در یک فضای باز وجود داشته باشد، چهارم باید مکانیسم تصمیم‌گیری‌ها و عملکردش شفاف و شیشه‌ای باشد، پنجم باید امکان تداول



کریم ارغنده‌پور

کافه نظر

حزب، اختلاف، تفاهم

مهسا علی بیگی: افطاری حسن روحانی با احزاب اصولگرا و اصلاح‌طلب اتفاقی مهم در عرصه سیاسی بود. بحث تحزب و عمل به اصول حزبی و اصلا بودونبود احزاب جزء چالش‌های سال‌های اخیر است. به سراغ چند فرد شناخته‌شده رفقیم تا دیدگاه‌های آنان را درباره ضرورت وجود حزب و نحوه علاقه‌مندی ایرانیان به عملکرد حزبی جویا شویم.

می‌توان از کارکرد موفق مذاکره در محیط بین‌المللی برای تکرار این روش در محیط داخلی استفاده کرد. تجربه‌ای که در دهه‌های گذشته در کشور داشته‌ایم نشان می‌دهد طرح بسیاری از مباحث سیاسی و زمینه‌های گفت‌وگویی به شکل مجادله‌آمیز بوده است. درحالی‌که احزاب مختلف حتما حول منافع عمومی کشور مرزهای مشترکی دارند که باید به آنها توجه کنند. برای مثال می‌توان در این زمینه به موضوع مذاکرات هسته‌ای اشاره کرد که با همه اختلافات موجود، طرفین مذاکره بر منافع و تهدیدهای مشترک توجه کردند. این الگو می‌تواند در داخل کشور هم طرح و پیگیری شود. آقای «غلامحسین کرباسچی» هم در صحبت‌هایشان به همین موضوع اشاره کردند. در این زمینه نهادی مانند خانه احزاب می‌تواند ظرفیت بسیار خوبی باشد. همچنین تعامل بین چهره‌های بلندپایه کشور می‌تواند راهکاری عملی در این زمینه باشد؛ این شبیه همان چیزی است که در نشست‌های سران قوا برای حل مسائل کشور دیده می‌شود. بنابراین این نوع ارتباطات میان دبیران احزاب برای تمرکز بر منافع و مصالح کشور ضمن دنبال‌کردن منافع مختلف توسط آنها، قابل‌اجرا و پیگیری است. البته باید دید چقدر این الگو در داخل کشور جدی است و چقدر برای آن تلاش می‌شود.

مرضیه برومند ◀ کارگردان

این ایدئولوژی حزب به افراد و معتقدم همراهی دو جناح با هم که در هر دو جناح انسان‌های بسیار مثبتي وجود دارد، حتما در همه حوزه‌ها، از اقتصاد و فرهنگ گرفته تا دیگر حوزه‌ها تأثیر مثبت دارد چون بیشترین انرژی‌ای که این روزها دارد در کشور تلف می‌شود صرف جدل‌هایی می‌شود که گاهی حتی می‌بینیم حرف دو طرف هم یکی است. اسامال، سال همدلی است؛ ما برای این همدلی چه می‌کنیم؟ با هم همدلی یا نه؟ این را هم بگویم که همه باید با هم همدل باشند، فقط نگوییم اصولگرایان باید با اصلاح‌طلبان همدل باشند. باید اصلاح‌طلبان هم با اصولگرایان همدل شوند. همه باید با هم همدلانه و مدارانه موضوعات و مشکلات را حل کنیم. ای‌کاش خانم‌ها در کشور ما مسئولیت بیشتری برعهده داشتند زیرا به برخی مسائل باید مادرانه‌تر و دلسوزانه‌تر نگاه کرد.

پیشنهاد

چرا و چگونه عملیات‌های ما در جنگ لو می‌رفتند؟



کردند و چگونه رزمندگان و فرماندهانشان با تمامی این دشواری‌ها و اطلاعات کامل دشمن بازهم توانستند عملیات‌های موفقی همچون والفجر هشت و کربلای پنج را به سرانجام برسانند تا امروز یک وجب از خاک کشورمان در دست دشمنان نباشد. این مستند در این بخش تنها به خیانت‌هایی که با نام ایرانی انجام شده خواهد پرداخت و ارائه مستندات همکاری دولت‌های غربی و عربی با حکومت صدام در زمان جنگ به زمان دیگری موکول شده است. مستند (هفت نابخشوده) به کارگردانی مرتضی باقری و به مدت ۶۳ دقیقه امروز- ششم تیر- ساعت ۲۱ از شبکه دوم سیما پخش خواهد شد تا با سند و مدرک به این سؤالات منطقی مخاطبان پاسخ دهد. دیدن این مستند به تمامی خانواده‌ها و مردمانی که دل در گرو ایران و ایرانی دارند، توصیه می‌شود.

حبیب احمد زاده: پس از تشیع شهدای مظلوم غواص در تهران، سؤالی در اذهان پدید آمد که آیا عملیات کربلای ۴ که این غواصان در آن شرکت داشتند از قبل لو رفته و آیا فرماندهان از این اطلاع دشمن خبر داشته‌اند یا خیر؟

مستند (هفت نابخشوده) قرار است به قسمتی از این پرسش‌ها به‌صورت غیرمستقیم پاسخ داده و چگونگی این امر را برای بیننده تیزبین مشخص کند که چگونه اکثر عملیات‌های رزمندگان ایرانی حتی عملیات‌های کاملاً موفق از قبل لو رفته و به دشمن یعنی گزارش می‌شده‌اند. در این مستند عجیب با اسناد، تصاویر و فیلم‌هایی که از سازمان‌های امنیتی عراق پس از سقوط صدام به‌دست آمده، روبه‌رویم و به این حقیقت و واقعیت دست خواهیم یافت که در هشت سال نبرد با دشمن یعنی، چه کسانی به این آب و خاک خیانت